

ابراهیم در گلستان

کرد آورده و مدوین:

اسماعیل محمدی

www.ketab.ir

سرشناسه	: محمودی، اسماعیل، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: ابراهیم در گلستان / گردآوری و تدوین اسماعیل محمودی ؛ دستیار گردآوری و تدوین حسن مظاهری ؛ ویراستار سیدمحمدباقر موسوی.
مشخصات نشر	: تهران: فروزان، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۰ ص.: مصور(بخشی رنگی).
شابک	: ۹۶۴-۹۶۴-۷۳۲۴-۹۰۱۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: مظاهری، ابراهیم، ۱۳۴۴ - ۱۳۶۷. -- سرگذشتنامه
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ -- شهیدان -- سرگذشتنامه
موضوع	: Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Martyrs --
شناسه افزوده	: مظاهری، حسن، ۱۳۶۶ -
رده بندی کنگره	: DSR ۱۶۲۶ م۵۵ / ۳۱۳۹۵
رده بندی دیویی	: ۹۵۵ / ۰۸۴۲۰۹۲
ن. ا. ره کتاب: ناسی ملی	: ۴۶۳۰۱۲۸



نشر فروزان

- عنوان: ابراهیم در گلستان
- گردآوری و تدوین: اسماعیل محمودی
- دستیار گردآوری و تدوین: حسن مظاهری
- ویراستار: سیدمحمدباقر موسوی
- حروفچین: فاطمه مظاهری
- صفحه آرا: ناهید آقامیرزایی
- طراحی جلد: سیدحسین حسینی
- ناشر: انتشارات فروزان- چاپ اول - ۱۳۹۵
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- لیتوگرافی، چاپ متن، جلد و صحافی: نفیس
- صندوق پستی: ۱۷۱۷-۱۶۷۶۵ تلفن: ۲۲۴۴۳۴۳۳-۲۱-۰۲۱ همراه: ۰۹۱۹۷۸۰۷۳۱۰

کلیه حقوق اعم از چاپ، تکثیر و نسخه برداری برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

پیشگفتار..... (یازده)

فصل اول: کلیات..... ۱

الف- نگاهی نو بر تاریخچه یکانات و نقش یکانیان در مسائل..... ۱

اسلامی و رویدادهای تاریخی منطقه و کشور

ب- سیمای آذربایجان غربی در آئینه دفاع مقدس..... ۵

ج- آذربایجان غربی، مشهور سراردا رشید و ۱۲۰۰۰ شهید سرافراز..... ۶

د- شهیدان گرانقدر بر مبنای تاریخ..... ۷

فصل دوم: ریشه‌ها..... ۱۳

۱- پدر شهید..... ۱۳

۲- مادر شهید..... ۱۸

فصل سوم: تولد تا شهادت شهید ابراهیم مظاهری..... ۲۵

الف- تولد، دوران کودکی و نوجوانی..... ۲۵

ب- وقوع انقلاب اسلامی..... ۲۷

- ج- افکار و آرمان‌های شهید ۲۸
- د- حضور در سپاه و مسئولیت‌های شهید ۳۳
- هـ - شهادت ۲۸
- و- فرازهایی از وصیت‌نامه ۲۹

فصل چهارم: خاطرات هم‌زمان شهید ۴۳

- ۱- اصغر خلیل‌زاده ۴۳
- ۲- سمانه احمدی ۴۴
- ۳- ابوعبید محمدی ۵۸
- ۴- مجید محمدی ۶۰
- ۵- حسین نظری ۶۱
- ۶- عباسعلی محمودلو ۶۳
- ۷- عباس رضانی ۷۲
- ۸- ناصر عظیمی ۷۸
- ۹- رضا محمدی‌نیا ۸۵
- ۱۰- عزیز نوری ۸۶
- ۱۱- نوروز نوری ۹۱
- ۱۲- ابراهیم بخشی ۹۳
- ۱۳- رسول محمدزاده ۹۵

- ۹۷ ۱۴- حسین خان محمدی
- ۱۰۳ ۱۵- جلیل رنجبر
- ۱۰۶ ۱۶- رحیم سرهنگی
- ۱۰۸ ۱۷- محمد شعبانی
- ۱۰۹ ۱۸- محمد ابراهیم مصدقی
- ۱۱۰ ۱۹- سلمان آشفته
- ۱۱۳ ۲۰- اژدر - متی
- ۱۱۶ ۲۱- محمد - د شمس
- ۱۱۸ ۲۲- حسین بابایی
- ۱۲۳ ۲۳- سید محمد طبیبی
- ۱۲۵ ۲۴- محسن حاج محمدی
- ۱۳۶ ۲۵- معصوم نجفی
- ۱۴۷ فصل پنجم: فرهنگسرای شهید مظاهری
- ۱۵۱ فصل ششم: تصاویر

پیشگفتار

شهادت مرگی است، انتخاب شده، مرگی که انسان به سوی آن می رود نه آنکه به سوی انسان بیاید. اهمیت و ارزش شهید و شهادت هم از همین جا سرچشمه می گیرد. اگر چه گفته می شود شیعه اگر در بستر هم بمیرد، شهید است، اما شهادت درجاتی دارد که عال ترینش جهاد در راه خداست.

ماده اول «شهادت» معنی حضور را می رساند، از این رو شهادت و گواهی در کارها و اعمال نیز به همین ملاحظه، از این ماده مشتق گردیده است. بی شهید در چه صحنه ای حضور دارد؟ آیا هنگامی که می خرد این دنیا را ترک گوید شاهد و ناظر بر فرشتگان است؟ آیا شاهد و ناظر بر نعمتهایی است که خداوند به او عنایت می کند و او از همان آغاز مرگ، آنها را مشاهده می نماید؟ چنانچه در روایات متعددی آمده است آیا حضورش در پیشگاه خداست که هرگز فناپذیر و نابودشدنی نیست؟ و یا

نخستین بار کلمه «شهید» را پیامبر اکرم (ص) برای افرادی که در راه خدا کشته می شوند اطلاق کرده است. در روایتی می خوانیم که آن حضرت به یارانش فرمود: جراحکم فی سبیل الله و من قتل منکم فانه شهید: جراحاتی که بر شما وارد می شود در راه خداست و هر کس از شما کشته شود، شهید است.

در دنیای پرفتنه امروز که عصر انفجار اطلاعات لقب گرفته است و در زمانه‌ای که مرزهای جغرافیایی، معنا و مفهوم پیشین خود را در ساختار جدیدی از معرفت و تحول مبنایی در حیات بشری، رفته‌رفته از دست می‌دهند و اقتدار ملی هر کشور در بعد فرهنگی آن جلوه و ظهور می‌یابد، پاسداری از ارزش‌های فرهنگی، یک‌کردی واقع‌بینانه و استراتژیک خواهد بود. چنین است که هر نمایی از رهایی و هر پرچمی از آزادی که در گستره گیتی، مورد هجوم هفازهای زهرآگین اتحادیه جهانی زر و زور و تزویر قرار می‌گیرد، شهید، آگاهان از آنها خبر دارد و در مقابل آن ایستادگی می‌کند.

در این میان، رسالت همه آنانی که به عدالت، آزادی و رهایی از جهل و ظلمت می‌اندیشند و با ارمان بزرگ پیامبران ایمان دارند، آن است که از فرهنگ ایستادگی و وارستگی در این تهاجم بی‌حساب، با هر وسیله که ممکن است، حتی از جان و نشان هم باشد، از آن صیانت و پاسداری می‌کنند.

درخشان‌ترین و فروزان‌ترین ستاره آسمان فرهنگ رهایی از قید تعلقات دنیوی، مشعل پر فروغ فرهنگ شهادت است. تکریم و تعظیم شهیدان، تلاشی مقدس است در برافراشتن پرچم‌های سرخ

استقلال و آزادی بشریت، از یوغ ذلت و اسارت و گام بلندی است در راستای احیای ارزش‌های مکتب توحید و عدالت؛ زیرا که، شهادت، مرگ در راه ارزش‌هاست، و هر شهید، مشعلی است که در بلندای عزت و سرافرازی یک ملت، جاودانه می‌درخشد.

شهید، زیباترین زخم بر پیکر هستی و شهادت، زیباترین غزلی است که از لب‌های سرخ حقیقت می‌تراود. شهادت بیداری را معنا می‌کند و بنای را شفاف می‌سازد. شهادت مشعلی است که خداوند در جان بر زمینانش می‌افروزد، تا تاریکی از شانه‌های زندگی بگریزد. شهید چرمه آتش است که خرمن ظلم را می‌سوزاند و آب روانی است که بر کویر تشنگی عدالت جاری می‌شود. هر شهید سپیده‌ای است که در افق آسمان طلوع می‌کند و پیام‌آور صبح می‌شود. شهادت شهید به طور یقین بسیار پربارزش‌تر و مؤثرتر از حیات اوست.

شاهد، از اوصاف خداوند است و زمانی که کسی به آن درجه از خلوص برسد که به مقام شهادت نایل آید، او مخلوقی است ملحق‌شده به خالق و عادی است.

شهادت نه یک مردن، که یک انتخاب است. هر کسی را که در راه خدا کشته و شهید شد، مرده نپندارید؛ بلکه او زنده جاوید است.

ولیکن شما این حقیقت را در نخواهید یافت. شهید همواره زنده
است و مرگ او در واقع، انتقال از حیات جاری در سطح طبیعت، به
حیات پشت پرده آن می‌باشد.
و باید گفت:

سال‌های نه چندان دور، همین نزدیکی‌ها،
مردانی در همسایگی ما زندگی می‌کردند،
که زندگی برای‌شان جدی‌ترین بازیچه بود.
زندگی کردند، چون هیچ‌وقت اسیر و ذلیل زندگی نشدند.
زندگی می‌کردند، چون معنای زندگی را فهمیدند.
آنها آمدند و زندگی کردن را به ما یاد دهند و ما یاد نگرفتیم.
چشم دوختند در چشم ما و با سکوت‌شان فریاد زدند،
که جور دیگر هم می‌شود زندگی کرد.
آنها رفتند و ما ماندیم.
رفتن آنها به رفتن یک ستاره دنباله‌دار مانند و ماندن ما به ماندن
آب در مرداب روزمرگی.
انگار که آنها مانده‌اند و ما می‌رویم.
امروز سر برداشته‌ایم و چشم دوخته‌ایم به دنباله آن ستاره،
تا مسیرش را گم نکنیم.
شاید روزی کسی از ما خواست به آنها بپیوندیم

پیر ما گفت شهادت هنر مردان است
عقل نامرد در این دایره سرگردان است،
پیر ما گفت که مردان الهی مردند
که به دنبال رفیق ازلی می گردند.

ما آمدیم تا بگوییم که تو در روح و باطن ما جای داری.
آمده ایم تا بگوییم

ای عاشورایی! ای شهید، راحت، اندیشه‌ات و تفکرت در روح و روان
جامعه ایرانی جای دارد

ای شهید! زانوی ملتیده در ترکش‌های سرد و سنگین مین
که به عشق انقلاب و اسلام، سر بر سودای عشق گذاشتید.
اینجا کجاست؟ ما کیسیم.. شما که بودید؟ و کجایید؟
بر مزارت بگرییم و یا همچون خردتان قهقهه مستانه سر دهیم
و خدا را شاکر باشیم که آنچه را سزاوارش بودید
به شما ارزانی داشت.

نمی دانم اگر مجالی می داشتی که با خون سرخات بر پیمان بنویسی،
چه می نوشتی.

ما را به چه فرا می خواندی؟